



## جمعه 6 اردیبهشت 1392 - 15 جمادی الثاني 1434 - 26 آوریل 2013

روزي که زمین لرزه «تاشکند» را ویران ساخت - نگاهی کوتاه به مسیری که این شهر در طول تاریخ طی کرده است...

روزي که زمین لرزه &#171;تاشکند» را ویران ساخت - نگاهی کوتاه به مسیری که این شهر در طول تاریخ طی کرده است  
 بامداد 26 آوریل 1966 (پس از نیمه شب 25 آوریل و شب هنگام) زمین لرزه ای به شدت هفت و نیم ریشتر شهر تاریخی تاشکند در فرارود را ویران ساخت. این شهر در سال 1219 میلادی هم توسط خان مغولان (چنگیز) ویران شده بود. 24 سده پیش در دامنه کوههای گلستان، یک آبادی از استاندارد &#171;ده» در مقیاس دوران هخامنشی بزرگتر شد و به صورت &#171;کند» درآمد که در پارسی به معنای شهر کوچک (تاون در زبان انگلیسی) است. در قدیم، نام این شهر &#171;چاچ» بود یا چاچکند که در آستانه قرون جدید و پس از مهاجرت شیبانی ها (ازبک ها) به آنجا، آن را تاشکند تلفظ کردند که اتفاقاً اسم با مسمایی بوده زیرا که در زبان آنان، تاش یعنی سنگ، و چاچکند در منطقه ای سنگلاخ واقع شده بود. این شهر بیش از دو میلیون نفری که در قرن نوزدهم وابسته به خان نشین &#171;بخارا» بود در سال 1865 به تصرف روس ها درآمد که از فرصتی که ضعف نظامی و فتور قاجارها به دست داده بودند استفاده کرده و وارد فرارود شده بودند (که جغرافیون آمریکایی فرارود را آسیای مرکزی شهرت داده اند!). دولت بلشویکی روسیه پس از پیدایش آثار بیدارشدن &#171;ناسیونالیسم ایرانی» از خواب، با شتاب تمام همه منطقه فرارود را &#171;ترکستان روس» نام نهاد و تاشکند را پایتخت آن قرارداد که بعداً آن را بر حسب منافع سیاسی خود و اسما به چند جمهوری تقسیم کرد که این جمهوری ها در چارچوب همان خطوط، در آغاز دهه 1990 و فروپاشی شوروی اعلام استقلال کردند. &#171;تاشکند» پس از قسمت بندی بلشویکی فرارود، پایتخت ازبکستان شد که این مقام را همچنان حفظ کرده است.

پیشنهاد صلح روم به ایران، ولی ...

در پی چند شکست نظامی روم از ایران و قتل دو امپراتور این کشور که در صدد جنگی دیگر با ایران بر آمده بودند، &#171;مارکوس پروبوس» امپراتور تازه روم به بهرام دوم شاه ساسانی ایران پیشنهاد امضای یک پیمان صلح داد که بهرام به سبب مشکلاتی که در خاور ایران داشت - در این روز از آوریل 280 میلادی این پیشنهاد را پذیرفت، اما قراردادی امضاء نشد. دلیل آن این بود که در این جریان پروبوس در یک توطئه به قتل رسیده و &#171;کاروس» فرمانده گارد وی، خود را امپراتور موقت خوانده بود.  
 کاروس برای این که توجه سناي روم و مقامات دیگر را به تایید خود جلب کند به ایران لشکر کشید و بهرام را که در سیستان گرفتار بود و انتظار چنین حمله ای را نداشت غافلگیر کرد. کاروس تا تیسفون پیش آمد که در اینجا به مرگ ناگهانی از این دنیا رفت. با این تجربه، از آن پس بهرام دوم، دیگر به اشارات صلح آمیز رومیان توجه نمی کرد و راه خود را می رفت.